

بررسی خط فقر و تأثیر برخی سنج‌های اقتصاد کلان بر مؤلفه‌های فقر در ایران (۷۵-۱۳۵۸)

دکتر حسین پیراسته - همایون رنجبر*

در این مطالعه، با استفاده از سیستم الگوی خطی هزینه با وجود عادات مصرفی و تابع مطلوبیت استون‌گری، خط فقر نسبی و پنج شاخص دیگر مرتبط با فقر طی دوره ۷۵-۱۳۵۸ در ایران برآورد شده است. سپس به منظور ارزیابی تأثیر پاره‌ای سنج‌های اقتصاد کلان، بازتاب دهنده سیاست‌های مختلف دولت، بر شاخص‌های پنجگانه مذکور، تحلیل‌های اقتصادسنجی چندگانه‌ای صورت پذیرفته است. نتایج مطالعه حاکی از متوسط نرخ رشد سالانه خط فقر به میزان ۲۰ درصد در مناطق شهری و روستایی ایران در دوره مذکور است. برآزش سنج‌های اقتصاد کلان بر مؤلفه‌های پنجگانه فقر نیز نشان می‌دهد که افزایش تولید ملی، سهم مخارج عمرانی دولت در تولید ملی و نرخ نهایی مالیات بر پدیده فقر تأثیر معکوس و افزایش نابرابری‌های توزیع درآمد، حاشیه نرخ ارز و تورم تأثیر مستقیم بر آن‌ها دارد. بنابراین، بدیهی به نظر می‌رسد که ایجاد رشد مستمر و قابل ملاحظه اقتصادی، تدویم اصلاحات در ساختار نظام مالیاتی کشور، ایجاد تغییرات مناسب در ترکیب هزینه‌های جاری و عمرانی دولت، برقراری یک نظام ارزی تک نرخی، ایجاد ثبات در سطح قیمت‌ها و برقراری برابری‌های بیشتر اقتصادی می‌تواند به کاهش پدیده فقر در اقتصاد ایران منجر شود.

مقدمه

پدیده فقر ریشه در تاریخ کهن جوامع انسانی دارد و شاید بتوان مهاجرت انسان‌ها، قیام برده‌ها و وقوع انقلاب‌های بزرگ و جنگ‌های بین‌المللی قرن حاضر را به نوعی مستتب به پدیده فقر دانست. اما مطالعات

- این مقاله برگرفته از نتایج طرح مصوب پژوهشی دانشگاه اصفهان به شماره ۷۷۰۲۰۶ مورخ ۱۳/۲/۱۳۷۷ است.

* به ترتیب، عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه اصفهان، و دانشجوی دوره دکتری دانشگاه اصفهان.

بررسی خط فقر و تأثیر برخی سنجه‌های ... ۴

علمی پیرامون این معضل اقتصادی و اجتماعی در جهان و به همراه آن در ایران، پدیده‌های نسبتاً جدید بوده و تنها در چند دهه اخیر مورد توجه گسترده قرار گرفته است.

از آن‌جا که فقر مقوله‌ای هنجاری است که تحت تأثیر قضاوت‌های ارزشی جامعه و افراد قرار دارد، تعاریف متعددی برای آن وجود دارد. در لغت می‌توان فقر را به معنای تنگدستی و نیازمندی در ابعاد و زمینه‌های گوناگون تعبیر کرد. در این میان، فقر اقتصادی که مد نظر این مطالعه قرار دارد، به منزله عدم برخوردارگی از حداقل امکانات معاش است. بر همین اساس، فقر نسبی عبارت از سنجش یک حداقل درآمد و سطح معاش است که با توجه به شرایط اجتماعی و اقتصادی کشورها متفاوت خواهد بود.

هدف اصلی مقاله حاضر، ارزیابی تأثیر سنجه‌های اقتصاد کلان، انعکاس‌دهنده سیاست‌های مالی، پولی، ارزی و درآمدی دولت، بر مؤلفه‌های شش‌گانه فقر مشتمل بر شاخص نسبت سرشمار^۱، شاخص نسبت شکاف درآمدی^۲، شاخص سن، شاخص نابرابری درآمدی بین فقرا و شاخص کاکوانی است. ابتدا به منظور برآورد خط فقر، با انتخاب یک تابع مطلوبیت مناسب و تعیین دستگاه معادلات تقاضای مصرف‌کنندگان در جوامع شهری و روستایی، به ارزیابی پارامترهای این معادلات اقدام شد. نتایج حاصل در این تحقیق براساس یک الگوی سیستم مخارج خطی با عادات مصرفی^۳ (HLES) و استفاده از تابع مطلوبیت استون - گری استوار است. بر این اساس، آمار بودجه خانوار برای دوره ۷۵-۱۳۵۸ و بر حسب چهارگروه کالایی خوراکی، پوشاک، مسکن و متفرقه و روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب^۴ (ISUR) مورد بهره‌برداری قرار گرفت تا خط فقر جوامع شهری و روستایی برآورد شوند و کشش‌های درآمدی و قیمتی برای چهارگروه کالایی مذکور محاسبه شوند.

پس از مقدمه، روش‌های اندازه‌گیری خط فقر و روند تکامل تاریخی آن به‌طور اختصار مورد اشاره قرار گرفته و از مطالعات انجام یافته در ایران نیز ذکری به‌میان آمده است. پس از آن، مبانی نظری چگونگی محاسبه خط فقر با استفاده از سیستم مخارج خطی با عادات مصرفی و تابع مطلوبیت استون - گری به تفصیل بررسی شده و پنج مؤلفه دیگر مرتبط با خط فقر نیز معرفی شده‌اند. در مرحله بعد، نتایج تجربی مدل مورد استفاده ارائه و تحلیل شده است. قسمت پایانی مقاله به ارائه نتایج الگوهای اقتصادسنجی و ارزیابی تأثیرات

1. head- count ratio
2. income-gap ratio
3. habit formation linear expenditure system
4. iterative seemingly unrelated regression

رشد اقتصادی و تغییرات نرخ نهایی کلی مالیات‌ها، تورم، الگوی توزیع درآمد، حاشیه نرخ ارز و مخارج عمرانی دولت بر مؤلفه‌های متعدد فقر اختصاص یافته که متعاقب آن توصیه‌های سیاستی ارائه شده است.

روش سیستم مخارج خطی

نکته قابل توجه در مباحث فقر آن است که چگونه می‌توان جامعه فقیر را تشخیص داد؟ در این زمینه معیاری تحت عنوان خط فقر نسبی مطرح است که طبق تعریف عبارت از مقدار درآمد (یا هزینه) ای است که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی جامعه مورد نظر، برای تأمین حداقل نیازهای ضروری افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و غیره) لازم است. در این میان، تعیین حداقل نیازهای ضروری اولین گام در جهت مشخص کردن فقر بوده و روش جامع تعیین آن باید موارد زیر را در برگیرد.

- احاد افراد جامعه (یا کل خانوارها) را مد نظر قرار دهد.
- حداقل نیازهای اساسی از کالاها و خدمات را تعیین کند.
- مقدار مصرف سرانه فرد (یا خانوار) از کالاها را تعیین کند.

به هر حال، به نظر می‌رسد بهترین روش تعیین خط فقر مطلق، روش برآوردی با استفاده از ارزش پولی یا هزینه‌ای مصرفی کالاها و خدمات (به دلیل قابلیت جمع‌پذیری آن) از طریق به کارگیری روشی به نام دستگاه مخارج خطی^۱ (LES) است. این روش به نوبه خود، با تکیه بر نظریه رفتار مصرف‌کننده و تحلیل تقاضا برای گروه‌های عمده کالا، از طریق به کارگیری داده‌های موجود، به برآورد خط فقر می‌پردازد. دستگاه مخارج خطی از نوع دستگاه معادلات تقاضایی است که از طریق یک تابع مطلوبیت معین می‌تواند محدودیت‌های نظریه تقاضا را تأمین کند. استون (۱۹۵۴) برای اولین بار و به‌طور تجربی، دستگاه مخارج خطی را با استفاده از تابع مطلوبیت کلاین - روبین، مبنای مطالعه دستگاه معادلات تقاضا قرار داد.

پس از وی، پولاک و والز (۱۹۶۹) با کنار گذاشتن فرض ثابت بودن حداقل مخارج مصرفی در طول زمان (مورد استفاده استون)، به معرفی اشکال متنوعی از الگوهای دستگاه مخارج خطی با عادات مصرفی پرداختند که در آن حداقل مخارج مصرفی (حداقل معیشت) به‌عنوان یک متغیر تصادفی در الگو ظاهر می‌شود. از طرف دیگر، لاج (۱۹۷۳) الگوی دستگاه مخارج تعمیم یافته (ELES) و به دنبال او، گامالتسوس (۱۹۷۴) با استفاده از توابع باکشش جانشینی ثابت^۲ (CES)، که تابع مطلوبیت کلاین - روبین نوع خاصی از

1. linear expenditure system

2. constant elasticity of substitution

آن است، به ارائه شکل عام دستگاه مخارج خطی^۱ (GLES) اقدام کرد. اما در ایران، اولین تلاش برای برآورد دستگاه معادلات مخارج مصرفی را اعرابی و مهران (۱۳۵۶) برای بررسی تأثیر تورم بر مخارج مصرفی خانوارها در ایران انجام دادند. به دنبال آن خسروی‌نژاد (۱۳۶۸) و (۱۳۷۴) و صمدی (۱۳۶۹) با تقسیم‌بندی کالاها به ۴ گروه با استفاده از روش دو مرحله‌ای معرفی شده استون، به برآورد دستگاه معادلات مخارج مصرفی اقدام کردند. صمیمی‌فر (۱۳۷۲) دستگاه معادلات تقاضا را بررسی کرد و سپهوند (۱۳۷۵) الگوی دستگاه معادلات مخارج مصرفی با عادات مصرفی (HLES) را مد نظر قرار داد و با شبیه‌سازی نشان داد که نتایج الگوی او تا حد زیادی با واقعیت مطابقت دارد. ابریشمی و همکاران (۱۳۷۶) نیز با استفاده از الگویی مشابه نتیجه گرفتند که سطح حداقل معیشت متوسط خانوارهای شهری در فاصله سال‌های ۱۳۶۱ تا ۱۳۷۰ بیش از چهار برابر شده است. شهنازی (۱۳۷۷) نیز دستگاه مخارج خطی را برای بررسی رفتار مصرفی خانوارهای شهری و روستایی آذربایجان شرقی مورد استفاده قرار داد. سوری (۱۳۷۷) نیز پس از تعیین شاخص‌های فقر، از طریق روابط رگرسیونی به بررسی تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر فقر پرداخت. متوسلی و همکاران (۱۳۷۸)، در مقاله‌ای به جنبه‌های اقتصادی سیاست کاهش فقر پرداختند و ضمن تخمین گستره فقر در مناطق شهری ایران، و مشخص کردن اهداف موردنظر در اجرای سیاست کاهش فقر، به ارزیابی امکانات مالی لازم به‌منظور دستیابی به این اهداف در قالب دو سناریو پرداخته‌اند.

مبانی نظری الگوی مطالعه

۱. تعیین خط فقر از طریق الگوی دستگاه مخارج خطی

با فرض وجود تابع مطلوبیت کلاین - روبین برای مصرف کنندگان داریم:

$$U_t = \prod_{i=1}^n (q_{it} - \gamma_{it})^{\alpha_i} \quad (1)$$

به صورتی که $\alpha_i > 0$ و $\prod (q_{it} - \gamma_{it}) > 0$ و γ_{it} حداقل مخارج مصرف بر روی هر گروه کالایی است. هر

گاه این تابع را به صورت لگاریتمی (تابع مطلوبیت استون - گری) در نظر بگیریم (تبدیل یکتواخت تابع

مطلوبیت^۱ که بر روی مقدار حداکثر آن تأثیر نخواهد گذاشت، در آن صورت:

$$U'_t = \log U_t = \sum_{i=1}^n \alpha_i \log (q_{it} - \gamma_{it}) \quad (2)$$

با تقسیم رابطه به $\sum_{i=1}^n \alpha_i$ خواهیم داشت:

$$U_t^* = \sum_{i=1}^n \beta_i \log (q_{it} - \gamma_{it}) \quad (3)$$

به طوری که $\beta_i = (\alpha_i / \sum_{i=1}^n \alpha_i)$ و در نتیجه $\sum_{i=1}^n \beta_i = 1$

اکنون اگر حداقل مخارج مصرفی بر روی هر یک از گروه‌های کالایی را در هر دوره به صورت متغیری تصادفی فرض کنیم، برای تابع مطلوبیت مصرف‌کنندگان خواهیم داشت:

$$U_t^* = \sum_{i=1}^n \beta_i \log [q_{it} - (\gamma_{it} + v_{it})] \quad (4)$$

به شرطی که $i \neq j$ برای $E(v_{it}) = 0$, $E(v_{it}^2) = \sigma_i^2$, $E(v_{it}, v_{jt}) = 0$ لذا هر گاه به دنبال حداکثر کردن مطلوبیت مصرف‌کنندگان با توجه به قید بودجه

$$I_t = \sum_{i=1}^n q_{it} p_{it} \quad (5)$$

باشیم، داریم:

$$\bar{L} = \sum_{i=1}^n \beta_i \log [q_{it} - (\gamma_{it} + v_{it})] + \lambda (I - \sum_{i=1}^n q_{it} p_{it}) \quad (6)$$

بنابراین، برای تعیین حداکثر مطلوبیت خواهیم داشت:

$$\frac{\delta L}{\delta q_{it}} = \frac{\beta_i}{q_{it} - (\gamma_{it} + v_{it})} - \lambda p_{it} = 0 \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (7)$$

ولذا:

$$\beta_i = \lambda p_{it} [q_{it} - (\gamma_{it} + v_{it})] \quad i = 1, 2, \dots, n \quad (8)$$

در نتیجه:

$$\sum_{i=1}^n \beta_i = \lambda \left[\sum_{i=1}^n q_{it} P_{it} - \sum_{i=1}^n \gamma_{it} P_{it} - \sum_{i=1}^n v_{it} P_{it} \right] \quad (9)$$

با وجود $\sum_{i=1}^n \beta_i = 1$ و $I_t = \sum_{i=1}^n q_{it} P_{it}$ ، داریم:

$$\lambda = \left[I_t - \sum_{i=1}^n \gamma_{it} P_{it} - \sum_{i=1}^n P_{it} v_{it} \right]^{-1} \quad (10)$$

در نهایت با جایگزینی مقدار λ در رابطه β_i (رابطه ۸) خواهیم داشت:

$$y_{it} = P_{it} q_{it} = P_{it} \gamma_{it} + \beta_i \left[I_t - \sum_{i=1}^n \gamma_{it} P_{it} \right] + (P_{it} v_{it} - \beta_i \sum_{i=1}^n P_{it} v_{it}) \quad (11)$$

و با در نظر گرفتن این‌که $w_{it} = P_{it} v_{it} - \beta_i \sum_{i=1}^n P_{it} v_{it}$ ، داریم:

$$y_{it} = P_{it} \gamma_{it} + \beta_i \left[I_t - \sum_{i=1}^n \gamma_{it} P_{it} \right] + w_{it} \quad (12)$$

اکنون به فرض این‌که مصرف‌کنندگان در مورد حداقل معیشت خود دارای عادات مصرفی به صورت زیر باشند:

$$\gamma_{it} = a_i q_{it-1} \quad (13)$$

خواهیم داشت:

$$y_{it} = a_{it} q_{it} P_{it} + \beta_i \left[I_t - \sum_{i=1}^n a_i q_{it-1} P_{it} \right] + w_{it} \quad (i=1, 2, \dots, n) \quad (14)$$

بنابر این، معادلات مخارج مصرفی (y_{it}) به دست آمده نسبت به متغیرهای قیمت و درآمد خطی و نسبت به پارامترهای الگو غیرخطی هستند.

قابل ذکر است که چنین الگویی حداقل از دو محدودیت زیر پیروی می‌کند:

الف) به علت وجود $\sum_{i=1}^n \beta_i = 1$ ، تمامی کشش‌های قیمتی کوچک‌تر از یک خواهند بود.

ب) در الگوی دستگاه مخارج خطی با عادات مصرفی (HLES)، تأثیرات متقاطع تغییرات قیمت یک کالا بر تقاضای کالای دیگر محدود به کانال درآمدی است، لذا تمام کالاها به مفهوم هیکس - آلن (۱۹۳۴) جانشین یا مستقل فرض می‌شوند. در این صورت، وجود کالاهای پست و مکمل در الگو امکان‌پذیر نیست و برای محاسبه کشش قیمتی خودی (ϵ_{ij}) و کشش قیمتی متقاطع (ϵ_{ij}) و کشش درآمدی فرامعیشتی (η_i) هر یک از گروه‌های کالایی بر حسب مقادیر میانگین متغیرها خواهیم داشت:

$$\epsilon_{ii} = \frac{\delta q_i}{\delta p_i} \cdot \frac{p_i}{q_i} = [(1-\beta_i) \left(\frac{\sum_{t=1}^T q_{it-1} P_{it}}{\sum_{t=1}^T q_{it} P_{it}} \right) \left(\frac{T}{T-1} \right)] - 1 \quad (i = 1, 2, \dots, n) \quad (15)$$

$$\epsilon_{ij} = \frac{\delta q_i}{\delta p_j} \cdot \frac{p_j}{q_j} = -\beta_i a_i \left(\frac{\sum_{t=1}^T q_{jt-1} P_{jt}}{\sum_{t=1}^T q_{it} P_{it}} \right) \left(\frac{T}{T-1} \right) \quad (i, j = 1, \dots, n \text{ و } i \neq j) \quad (16)$$

$$\eta_i = \frac{\delta q_i}{\delta I} \cdot \frac{I}{q_i} = \beta_i \left(\frac{\sum_{t=1}^T I_t}{\sum_{t=1}^T p_{it} q_{it}} \right) \quad (i = 1, 2, \dots, n) \quad (17)$$

این کشش‌ها در واقع "کشش‌های جبرانی" بوده و هرگاه $\gamma_i = \frac{a_i}{T-1} \sum_{i=2}^T q_{it-1}$ ها مثبت باشند،

باعث می‌شود کشش متقاطع قیمتی نیز منفی شود، به این مفهوم که اثر درآمدی قوی‌تر از اثر جانشینی است و آن را خنثی می‌کند.

از طرف دیگر، طبق تعریف خط فقر نسبی، Z_t برابر است با مخارج صرف شده برای مصرف حداقل

معیشت هر یک از گروه‌های کالایی یعنی:

$$Z_t = \sum_{i=1}^n \gamma_{it} P_{it} \quad (18)$$

اما چون طبق فرض عادات مصرفی مصرف‌کنندگان، $y_{it} = a_i q_{it-1}$ است، پس:

$$Z_t = \sum_{i=1}^n a_i q_{it-1} P_{it} \quad (19)$$

۲. شاخص‌های فقر

تمامی مقیاس‌های تک شاخصی اندازه‌گیری فقر، فرد یا خانواری را که دارای مقدار درآمد یا هزینه‌ای پایین‌تر از خط فقر قرار دادی است، فقیر محسوب می‌کنند. شاخص‌های متفاوتی برای اندازه‌گیری فقر وجود دارد که هر یک خصوصیات مشخصی از جامعه فقیر (مانند وسعت فقر، عمق فقر، مقدار منابع لازم برای ریشه‌کنی فقر و...) را به صورت درصدی از افراد فقیر نشان می‌دهند. برای بیان این شاخص‌ها، فرض می‌شود که h خانوار وجود دارد و درآمد (هزینه) خانوار q ام مساوی y_q است. هرگاه این h خانوار به ترتیب مقدار درآمد (هزینه) آن‌ها از پایین به بالا مرتب شوند و خط فقر نسبی با Z نشان داده شود، آنگاه رابطه توزیع مرتبه‌ای درآمد (هزینه) خانوارها به شکل زیر خواهد بود:

$$y_1 \leq y_2 \leq y_3 \leq \dots \leq y_q \leq z \leq y_{q+1} \leq \dots \leq y_h \quad (20)$$

مشخص است که تعداد q خانوار زیر خط فقر قرار دارند. اگر الگوی توزیع درآمد میان افراد فقیر با y^* و میانگین درآمد آن‌ها با μ^* نشان داده شود، آنگاه شاخص کلی فقر را می‌توان به صورت تابع زیر در نظر گرفت.

$$P(y) = F(y^*, z, n, q, \mu^*) \quad (21)$$

بر همین اساس، پنج شاخص زیر در ارتباط با فقر در این مطالعه مورد محاسبه قرار می‌گیرد.

الف) شاخص نسبت سرشمار (H)

این شاخص تصویر ساده‌ای از میزان فقر جامعه به دست می‌دهد، به گونه‌ای که درصد خانوارهای فقیر نمونه‌گیری شده (q) به کل خانوارهای نمونه‌گیری شده (h) را نشان می‌دهد؛ یعنی

$$H = \left[\frac{1}{h} \sum_{q=1}^h I(y \leq z) \right] \times 100 \quad (22)$$

از آن‌جا که این شاخص تنها درصد فقرا را در کل جمعیت تعیین می‌کند، نزدیک یا دور بودن فقرا از

خط فقر یعنی شدت و عمق فقر را مورد ملاحظه قرار نمی‌دهد.

ب) شاخص نسبت شکاف درآمدی (i)

این شاخص نسبت تفاوت بین میانگین موزون درآمد (هزینه) خانوارهای زیر خط فقر و خط فقر را به

صورت نسبی از درآمد در خط فقر اندازه‌گیری می‌کند:

$$I = \left(\frac{Z - \mu^*}{Z} \right) \times 100 \quad (23)$$

μ^* میانگین موزون درآمد (هزینه) خانوارهای زیر خط فقر است که به روش زیر محاسبه می‌شود:

$$\mu^* = \sum_{s=1}^m \frac{q^s}{q} (\mu^s) \quad (24)$$

m تعداد گروه‌های درآمدی (هزینه‌ای) زیر خط فقر، q^s تعداد خانوارهای هر گروه درآمدی زیر خط فقر، q تعداد کل خانوارهای زیر خط فقر و μ^s میانگین درآمد (هزینه) هر گروه زیر خط فقر است. این شاخص گویای آن است که برای از بین رفتن فقر، درآمد (هزینه) متوسط اقشار فقیر جامعه با چه درصد باید افزایش یابد و لذا این شاخص، شدت و عمق فقر را بدون توجه به وسعت آن بیان می‌کند.

ج) شاخص نابرابری درآمدی بین فقرا *مقدم‌انسانی و مطالعات فرهنگی*
عبارت است از میانگین موزون مجذور نسبت مابه‌التفاوت میانگین درآمد هر گروه درآمدی زیر خط فقر (μ^s) از درآمد خط فقر (Z) تقسیم بر خط فقر، یعنی

$$P_2 = \sum_{s=1}^m \frac{q^s}{q} \left(\frac{Z - \mu^s}{Z} \right)^2 \quad (25)$$

د) شاخص سن (P)

این شاخص از طریق فرمول زیر محاسبه می‌شود:

$$P = H [I - (1-I)G] \quad (26)$$

بررسی خط فقر و تأثیر برخی سنج‌های ... ۱۲

G ضریب جینی توزیع درآمد یا هزینه خانوارهای زیر خط فقر است که حد تحتانی آن به وسیله رابطه زیر قابل محاسبه است:

$$G = 1 - \sum_{s=1}^m (P_s - P_{s-1})(y_s - y_{s-1}) \quad (27)$$

در رابطه فوق، P_s و y_s به ترتیب جمعیت و درآمد (مخارج) تجمعی نسبی خانوارهای زیر خط فقرند. شاخص‌های I و H قبلاً براساس روابط (۲۲) و (۲۳) تعریف شده‌اند. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، شاخص سن نسبت به هر سه مؤلفه فقر، یعنی وسعت و عمق فقر و نحوه توزیع درآمد بین فقرا حساس است و بر همین اساس از دو اصل موضوعه یکنواختی^۱ و انتقال^۲ تبعیت می‌کند.

ه) شاخص کاکوانی (k)

این شاخص از طریق رابطه زیر اندازه‌گیری می‌شود:

$$k = F(z) \frac{z - \mu}{\mu} \quad (28)$$

در رابطه فوق، $F(z)$ درصد خانوارهای زیر خط فقر و μ میانگین درآمد (مخارج) کل جامعه را نشان می‌دهد. این شاخص نشان می‌دهد چند درصد از درآمد افراد غیر فقیر باید به افراد فقیر جامعه انتقال یابد تا درآمد تمام افراد فقیر جامعه به سطح درآمد خط فقر افزایش یابد و فقر از میان برود. بر همین اساس، شاخص کاکوانی میزان سهولت یا سختی از بین بردن فقر را ارائه می‌دهد.

نتایج تجربی

از آن‌جا که گروه‌های کالایی موجود در الگو باید جانشین یا مستقل در نظر گرفته شوند و لذا برای پیروی از فرض‌های الگو و افزایش کارایی پارامترهای برآوردی، گروه‌های لوازم و اثاثه منزل، بهداشت و درمان،

۱. monotonicity axiom، به معنای این‌که به فرض ثابت بودن سایر شرایط، کاهش درآمد هر یک از خانوارهای فقیر باعث

افزایش مقدار این شاخص می‌شود.

۲. transferability axiom، به این معنا که به فرض ثابت بودن سایر شرایط، انتقال درآمد از یک خانوار فقیرتر به یک

خانوار با فقر کمتر موجب افزایش مقدار این شاخص می‌شود.

حمل و نقل و ارتباطات، تفریح و تحصیل در درون گروه متفرقه ادغام شده‌اند. به این ترتیب، هشت گروه کالایی موجود در داده‌های آماری کشور به چهار گروه تقبیل داده شده است.^۱

اما در برآورد الگوی دستگاه معادلات تقاضا، به دلیل غیرخطی بودن پارامترهای مورد برآورد و محدودیت برآوردی موجود در الگو (یعنی $\sum_{i=1}^n w_{it} = 0$ به علت محدودیت $\sum_{i=1}^n \beta_i = 0$) از متداول‌ترین روش غیرخطی، یعنی روش رگرسیون‌های ظاهراً غیرمرتبط تکراری (ISUR) استفاده شد. این روش در واقع یک روش تکراری حل همزمان پارامترهای مورد نظر از طریق مجموعه‌ای از مقادیر ممکن است که در آن پارامترها، مقدار مجموع مجذور خطاهای حاصل از برآورد هزینه بر روی تمامی کالاها و تمامی مشاهدات را به حداقل می‌رسانند. برآورد الگو از این روش، در مرحله اول نیاز به حذف یکی از معادلات به علت محدودیت ذکر شده در الگو و ارائه مقادیر اولیه برای پارامترهای مورد برآورد (یعنی β_i ها و α_i ها) به عنوان نقطه شروع دارد. بر همین اساس موارد زیر مدنظر قرار گرفت:

● سهم متوسط نسبت $P_{it} q_{it-1}$ به $\sum_{i=1}^n P_{it} q_{it-1}$ کل دوره تحت بررسی به عنوان نقطه شروع ضریب α_i مورد استفاده قرار گرفت.

● سهم متوسط نسبت مخارج هر گروه هزینه‌ای $(P_{it} q_{it})$ به کل هزینه (I_t) در طول دوره تحت بررسی به عنوان نقطه شروع ضریب میل نهایی به مصرف فرامیشتی هر گروه هزینه‌ای (β_i) در نظر گرفته شد.

● ضریب میل نهایی به مصرف فرامیشتی گروه هزینه‌ای حذف شده از دستگاه معادلات، در پایان عملیات از طریق محدودیت $\sum_{s=1}^n \beta_s = 1$ محاسبه شد.

برآورد پارامترهای الگوی دستگاه مخارج مصرفی در ایران در طول دوره زمانی (۷۵-۱۳۵۸)^۲ برای خانوارهای شهری و دوره زمانی ۷۵-۱۳۶۱ برای خانوارهای روستایی صورت پذیرفت. قابل ذکر است که چون در برآورد به روش رگرسیون‌های ظاهراً غیرمرتبط (ISUR)، هیچ‌گونه مبنای نظری در مورد حذف معادله خاصی از دستگاه معادلات وجود ندارد، در این مطالعه حذف معادله هر یک از گروه‌های کالایی آزمون شد و بهترین حالت بر اساس نتایج آماری برازش انتخاب شد. نتایج حاصل از برآورد دستگاه مخارج خطی در جدول ۱ منعکس است.

۱. برای تعیین متغیر قیمت گروه متفرقه، از میانگین موزون قیمت گروه‌های ادغام شده بر حسب ضریب اهمیت هر یک از گروه‌ها استفاده شد.

۲. به علت فقدان آمارهای مربوط به سال ۱۳۶۰، این سال از کل دوره مورد مشاهده حذف شد.

جدول ۱: نتایج آماری برازش دستگاه مخارج خطی مناطق شهری و روستایی کشور

خانوارهای مناطق روستایی	خانوارهای مناطق شهری	ضرایب و آماره‌ها
۰/۷۵۴ (۶/۴۲)	۰/۷۱۲ (۳/۶۶)	a_1 (خوراک)
۰/۶۸۶ (۴/۹۷)	۰/۸۸۲ (۸/۰۵)	a_2 (پوشاک)
۰/۷۸۸ (۴/۷۳)	۱/۰۲۴ (۲۹/۳۷)	a_3 (مسکن)
۰/۵۹۴ (۶/۰۸)	۰/۸۹۵ (۱۰/۷۲)	a_4 (متفرقه)
۰/۴۲۲	$\sum_{i=2}^4 \beta_i$	β_1 (خوراک)
۰/۱۳۰ (۲/۳۷)	۰/۰۸۴ (۲/۰۸)	β_2 (پوشاک)
$\sum_{i=1}^4 \beta_i, i \neq 3$	۰/۰۰۲ (۰/۰۰۲)	β_3 (مسکن)
۰/۳۳۶ (۵/۶۵)	۰/۱۷۷ (۳/۹۲)	β_4 (متفرقه)
۱/۹۷۴ و ۰/۹۹۹	—	DW_1 و \bar{R}_1^2
۲/۰۸۱ و ۰/۹۹۳	۱/۴۸۳ و ۰/۹۹۱	DW_2 و \bar{R}_2^2
—	۱/۹۲۳ و ۰/۹۹۵	DW_3 و \bar{R}_3^2
۲/۳۰۳ و ۰/۹۹۸	۱/۹۸۹ و ۰/۹۹۷	DW_4 و \bar{R}_4^2

توضیح: ارقام داخل پرانتز مقادیر آماره (t) است.

در معادله مربوط به گروه هزینه‌ای پوشاک مناطق روستایی از متغیر (1) AR استفاده شده است.

در مرحله بعد، از طریق روابط بیان شده در بخش مبانی نظری و با توجه به ضرایب برآوردی، به محاسبه خط فقر برآوردی (Z) و شاخص‌های فقر نسبت سرشمار (H)، نسبت شکاف درآمدی (I)، شاخص (P2)، شاخص سن (P) و شاخص کاکوانی (k)، به انضمام کشش‌های قیمتی (خودی و متقاطع) و

درآمدی فرا معیشتی برای هر دو مناطق شهری و روستایی اقدام شد. نتایج این برآوردها در جداول ۲ تا ۶ آمده است.^۱

جدول ۲: خط فقر و شاخص‌های فقر برآوردی مناطق شهری کشور (۱۳۷۵ - ۱۳۵۹)

سال	خط فقر سالانه به ریال	شاخص H (به درصد)	شاخص I (به درصد)	شاخص P_2	شاخص P	شاخص k
۱۳۵۹	۵۴۳۰۵۵	۶۳/۴۹	۴۷/۱۲	۰/۲۷۸	۰/۳۸۷	۲۹/۷۷
۱۳۶۲	۸۶۷۶۹۷	۵۵/۰۳	۴۷/۴۱	۰/۲۹۴	۰/۳۴۴	۲۰/۳۳
۱۳۶۳	۱۰۵۱۴۶۲	۵۹/۰۲	۴۷/۱۹	۰/۲۹۴	۰/۳۶۶	۲۳/۶۱
۱۳۶۴	۱۱۳۸۹۴۹	۶۱/۳۳	۴۸/۱۳	۰/۳۰۰	۰/۳۸۲	۲۶/۲۶
۱۳۶۵	۱۳۴۵۷۱۲	۶۴/۷۴	۴۹/۱۱	۰/۳۰۶	۰/۴۱۰	۳۲/۵۴
۱۳۶۶	۱۴۱۷۱۷۲	۶۱/۸۳	۴۸/۲۵	۰/۲۹۸	۰/۳۸۶	۲۸/۴۰
۱۳۶۷	۱۶۱۹۶۹۶	۵۸/۷۷	۴۶/۹۰	۰/۲۹۱	۰/۳۶۱	۲۴/۷۹
۱۳۶۸	۱۷۹۸۴۰۷	۵۷/۱۶	۴۶/۶۶	۰/۲۹۷	۰/۳۵۲	۲۲/۹۹
۱۳۶۹	۱۹۲۷۰۵۵	۵۸/۸۶	۴۵/۱۵	۰/۲۷۵	۰/۳۵۱	۲۲/۳۲
۱۳۷۰	۲۴۱۷۹۰۶	۵۷/۲۳	۴۴/۶۴	۰/۲۷۲	۰/۳۳۵	۲۰/۱۹
۱۳۷۱	۳۳۴۶۷۱۷	۶۲/۲۱	۴۵/۵۳	۰/۲۷۴	۰/۳۸۶	۲۴/۹۰
۱۳۷۲	۴۰۷۴۰۲۳	۶۰/۴۶	۴۳/۴۸	۰/۲۵۱	۰/۳۴۷	۲۳/۲۱
۱۳۷۳	۵۳۶۱۵۵۵	۵۴/۹۷	۴۲/۰۱	۰/۲۳۵	۰/۳۰۷	۱۹/۸۳
۱۳۷۴	۷۹۶۶۲۵۲	۵۹/۳۸	۴۴/۵۶	۰/۲۶۶	۰/۳۵۱	۲۳/۷۳
۱۳۷۵	۹۷۴۴۶۹۲	۵۶/۰۵	۴۵/۲۸	۰/۲۷۸	۰/۳۴۱	۲۲/۳۶

۱. برای محاسبه تعداد خانوارها و متوسط درآمد (هزینه) آخرین گروه درآمدی زیر خط فقر از تناسب استفاده شده است.

جدول ۳: خط فقر و شاخص‌های فقر برآوردی مناطق روستایی کشور (۱۳۶۲ - ۱۳۷۵)

سال	خط فقر سالانه به ریال	شاخص H (به درصد)	شاخص I (به درصد)	شاخص P_2	شاخص P	شاخص k
۱۳۶۲	۴۰۹۱۷۱	۴۳/۳۴	۴۲/۶۸	۰/۲۴۳۸	۰/۲۴۴۰	۱۸/۵۰
۱۳۶۳	۴۶۵۷۳۱	۴۶/۳۷	۴۳/۸۵	۰/۲۵۹۲	۰/۲۶۹۸	۲۰/۳۳
۱۳۶۴	۴۹۷۳۹۵	۴۶/۸۸	۴۴/۱۱	۰/۲۶۰۱	۰/۲۷۳۴	۲۰/۶۸
۱۳۶۵	۵۶۰۶۳۷	۴۹/۷۵	۴۵/۸۵	۰/۲۷۹۱	۰/۳۰۱۷	۲۲/۸۱
۱۳۶۶	۶۹۰۹۰۳	۴۷/۲۸	۴۴/۷۱	۰/۲۶۴۹	۰/۲۷۹۳	۲۱/۱۴
۱۳۶۷	۷۹۹۴۰۹	۴۸/۰۵	۴۳/۶۰	۰/۲۶۲۲	۰/۲۸۰۴	۲۰/۹۵
۱۳۶۸	۸۹۳۹۹۷	۴۳/۹۹	۴۲/۳۴	۰/۲۴۶۹	۰/۲۴۹۲	۱۸/۶۳
۱۳۶۹	۱۰۲۰۷۹۳	۴۲/۸۸	۴۵/۹۴	۰/۲۷۳۷	۰/۲۵۳۴	۱۹/۷۰
۱۳۷۰	۱۳۴۶۵۸۶	۴۸/۳۵	۴۶/۹۸	۰/۲۸۵۰	۰/۲۹۴۶	۲۲/۷۲
۱۳۷۱	۱۷۰۰۸۶۵	۴۸/۶۹	۴۶/۵۱	۰/۲۸۶۲	۰/۲۹۸۰	۲۲/۶۵
۱۳۷۲	۲۰۱۴۰۶۳	۴۸/۱۳	۴۳/۳۷	۰/۲۷۴۵	۰/۲۸۱۱	۲۱/۸۱
۱۳۷۳	۲۷۸۲۴۶۰	۴۶/۵۶	۴۳/۵۷	۰/۲۵۸۵	۰/۲۷۰۹	۲۰/۲۹
۱۳۷۴	۴۲۲۳۱۷۲	۴۶/۶۷	۴۶/۲۶	۰/۲۹۵۱	۰/۲۸۹۶	۲۱/۵۹
۱۳۷۵	۵۳۰۰۶۹۱	۵۰/۴۱	۴۳/۰۱	۰/۲۵۸۶	۰/۲۹۳۸	۲۱/۶۸

جدول ۴: کتشی‌های قیمتی (خودی و متقاطع) مناطق شهری کشور

گروه کالایی	خوراک	پوشاک	مسکن	متفرقه
خوراک	-۰/۸۰۷	-۰/۲۰۲	-۰/۶۹۴	-۰/۴۶
پوشاک	-۰/۲۰۵	-۰/۱۷۴	-۰/۲۶۰	-۰/۱۷۲
مسکن	۰	۰	-۰/۰۰۲	۰
متفرقه	-۰/۱۹۱	-۰/۰۷۰	-۰/۲۴۲	-۰/۲۵۴

جدول ۵: کشش‌های قیمتی (خودی و متقاطع) مناطق روستایی کشور

گروه کالایی	خوراک	پوشاک	مسکن	متفرقه
خوراک	-۰/۵۶۰	-۰/۰۸۴	-۰/۰۹۵	-۰/۱۳۱
پوشاک	-۰/۳۵۷	-۰/۳۷۳	-۰/۱۰۶	-۰/۱۴۶
مسکن	-۰/۲۹۶	-۰/۰۷۸	-۰/۳۰۹	-۰/۱۲۱
متفرقه	-۰/۵۳۵	-۰/۱۴۰	-۰/۱۵۹	-۰/۵۶۷

جدول ۶: کشش‌های قیمتی فرامعیشتی مناطق شهری و روستایی کشور

گروه کالایی	مناطق	خوراک	پوشاک	مسکن	متفرقه
مناطق شهری	۲/۱۶۵	۰/۸۱۱	۰	۰/۷۵۶	
مناطق روستایی	۰/۸۶۱	۰/۹۶۰	۰/۷۹۵	۱/۴۳۸	

نتایج برآوردی شاخص‌های فقر نشان می‌دهد که در مناطق شهری و در انتهای دوره، وسعت فقر (شاخص H) به همراه مخارج لازم برای ریشه‌کنی فقر (شاخص K) تقریباً ۷٪ و عمق فقر (شاخص I) حدود ۲٪ نسبت به ابتدای دوره کاهش داشته، در صورتی که شاخص نابرابری درآمدی بین فقرا (شاخص P_p) طی دوره ثابت مانده است. این نتایج با توجه به شاخص سن (p) نشان می‌دهد که کلاً در دوره فقر شهری حدود ۵٪ در مجموعه سه دامنه وسعت فقر، عمق فقر و نحوه توزیع درآمد بین فقرا کاهش یافته است. از طرف دیگر، نتایج شاخص‌های فقر برآوردی مناطق روستایی حاکی از آن است که در انتهای دوره وسعت فقر تقریباً ۷٪ و مخارج لازم برای ریشه‌کنی فقر حدود ۳٪ نسبت به ابتدای دوره افزایش یافته‌اند. در حالی که عمق فقر همگام با نابرابری بین فقرا تقریباً ثابت باقی مانده است. منطبق با این نتایج، شاخص سن نشان می‌دهد که فقر روستایی طی دوره حدود ۵٪ شدت یافته است.

کشش‌های درآمدی فرامعیشتی برآوردی حکایت از آن دارند که گروه‌های کالایی پوشاک، مسکن و متفرقه در مناطق شهری و گروه‌های کالایی خوراک، پوشاک و مسکن در مناطق روستایی در زمره کالاها ضروری و بر همین اساس گروه کالایی خوراک در مناطق شهری و گروه کالایی متفرقه در مناطق روستایی جزء کالاها لوکس محسوب می‌شوند. قابل توجه است که قرار گرفتن گروه کالایی خوراک مناطق شهری

در زمره کالاهای لوکس به دلیل افزایش شدید هزینه‌های دیگر گروه‌های کالایی نسبت به این گروه و عدم توانایی مالی خانوارهای شهری برای دستیابی به مقادیر فرامعیشی آن گروه‌های کالایی به علت بالا بودن وسعت و عمق فقر در این مناطق است که سبب شده خانوارهای شهری نسبت بالایی از درآمد فراسوی حداقل معیشت خود را صرف خرید کالاهای خوراکی اضافی کنند.

ارزیابی برخی سنجه‌های کلان اقتصادی بر شاخص‌های فقر

در هر مطالعه درباره فقر جامعه، لازم است تأثیر عملکرد اقتصاد آن جامعه را (با توجه به سیاست‌های اتخاذی دولت) بر فقر مورد بررسی قرار داد. بر همین مبنا، در این بخش به بررسی تأثیر سنجه‌های اقتصاد کلان کشور درباره فقر می‌پردازیم. اما از آن‌جا که ارزیابی تأثیر مجموعه یکجای سنجه‌های مذکور بر هر یک از شاخص‌های فقر به علت معنی‌دار نبودن آماری چنین الگوی اقتصادسنجی، امکان‌پذیر نبود، لذا اقدام به ارزیابی در چارچوب الگوهای منفرد خطی برای بررسی تأثیر هر یک از سنجه‌های اقتصاد کلان بر شاخص‌های فقر شد. از طرف دیگر، به دلیل نیاز به شاخص‌های فقر کل کشور در این ارزیابی، و به علت فقدان آمار هزینه خانوار برای کل خانوارهای کشور در مجموع، از میانگین وزنی شاخص‌های فقر مناطق شهری و روستایی کشور (با موزون سازی نسبت به جمعیت این مناطق) استفاده شد.

نتایج آماری برآزش هر یک از متغیرهای رشد تولید ناخالص داخلی ($GGDP$)، نسبت هزینه‌های عمرانی دولت به تولید ناخالص داخلی ($RSGC = \frac{SGC}{GDP}$)، نسبت تغییرات درآمدهای مالیاتی دولت به تغییرات تولید ناخالص داخلی ($DTT = \frac{\Delta TTR}{\Delta GDP}$)، ضریب نابرابری درآمد (از طریق شاخص جینی، G)، حاشیه نرخ ارز به صورت نسبت نرخ بازار آزاد ارز به نرخ رسمی آن، ($EE_1 = \frac{MEX}{DEX}$)، نرخ ارز بازار واقعی ($PMEX$)، نرخ بیکاری (U)، نرخ تورم ($GCPI$) و یارانه‌های دولتی ($GSUB$) بر شاخص‌های فقر (H و I ، P_1 ، P_2 ، K) به صورت یک رگرسیون ساده خطی (دارای دو پارامتر عرض از مبدأ و شیب تابع) در جدول ۷ آورده شده است.

طبق نتایج آماری برآزش‌های ارائه شده می‌توان گفت که:

الف) نه تنها تأثیرات قابل ملاحظه رشد اقتصادی بر موفقیت جهانی جمهوری اسلامی ایران از منظری متفاوت قابل بررسی است، بلکه تأثیرات مطلوب رشد اقتصادی بر اوضاع داخلی و به‌خصوص از دیدگاه فقر نیز حائز اهمیت است، چون افزایش تولید ملی، افزایش درآمد و افزایش اشتغال را به دنبال دارد که خود تأثیرات مطلوبی بر کاهش فقر به‌جا می‌گذارد. نتایج برآزش متغیر رشد اقتصادی ($GGDP$) بر تک تک شاخص‌های فقر نشان از تأثیر قطعاً معکوس این متغیر بر فقر دارد. اما در این میان، تأثیرات نرخ رشد

اقتصادی بر کاهش شدت یا عمق فقر و نابرابری بین فقرا شدیدتر است، ضمن آن‌که کاهش درصد مخارج لازم برای ریشه‌کنی فقر را نیز علامت می‌دهد.

ب) افزایش سهم مخارج عمرانی دولت در تولید ناخالص داخلی (*RSGC*) و افزایش نسبت تغییرات درآمد مالیاتی دولت به تغییرات تولید ناخالص داخلی (*DTT*) بر برخی از شاخص‌های فقر قابل ملاحظه است. مخارج عمرانی دولت با سرمایه‌گذاری در زیر ساخت‌های اقتصادی (سدها، نیروگاه‌ها، جاده‌ها و بزرگراه‌ها و مراکز آموزشی و بهداشتی) از یک سو می‌تواند موجب افزایش سرمایه‌گذاری بخش خصوصی شود که این امر به نوبه خود به تخصیص کارآمدتر منابع و تهییج رشد اقتصادی می‌انجامد. از دیگر سو، افزایش مخارج عمرانی دولت می‌تواند با عطف به تأثیرات مستقیم، غیرمستقیم و القایی تولید و اشتغال در بخش‌های اقتصادی، مجموع شرایطی را از لحاظ تولید، درآمد و اشتغال ایجاد کند که بر برخی از جنبه‌های فقر، به‌خصوص کاهش عمق و درصد مخارج لازم برای امحاء فقر بی‌تأثیر نیست. از طرف دیگر، افزایش نرخ نهایی مالیات در مقیاس کلان، به دلیل اصلاح الگوی توزیع درآمد از طریق تغییر ساختار نظام مالیاتی کشور و تحقق نسبی اهداف دولت در دو دهه گذشته، بر تمام شاخص‌های فقر تأثیرات کاملاً مطلوبی نشان داده، به نحوی که موجبات تنزل وسعت و عمق فقر، نابرابری بین فقرا و کاهش درصد مخارج لازم برای امحاء فقر را فراهم آورده است.

ج) شدت یافتن عدم تعادل در توزیع درآمد، حکایت از تشدید عمق فقر دارد. با افزایش ضریب نابرابری درآمد (*G*) و در نتیجه اثر انتقال درآمد اقشار کم درآمد و با درآمد متوسط نزدیک به خط فقر به افراد پر درآمد، تعداد فقرا افزایش یافته و به‌خصوص عمیق‌تر شدن فقر و نابرابری بین فقرا را موجب می‌شود. این تأثیرات پیامد دیگری نیز به دنبال دارد و آن افزایش قابل ملاحظه در مخارج لازم برای ریشه‌کنی فقر است.

د) از آن‌جا که شرایط رکودی اقتصاد به افزایش بیکاری می‌انجامد و معمولاً اولین مرحله از چنین فرایندی، شدت یافتن بیکاری در میان کارگران ساده و غیرماهر، یعنی افراد در پائین‌ترین طبقات درآمدی، است، در نتیجه افزایش بیکاری بدون شک بر شمار فقرا می‌افزاید. از آن‌جا که مشاغل در سطوح درآمدی از بی‌ثباتی بیشتری برخوردار است تا مشاغل در سطوح درآمدی بالا، انتظار می‌رود که شدت یافتن بیکاری عمق فقر و نابرابری بین فقرا را نیز تشدید کند.

ه) اتخاذ هر سیاست ارزی که سبب افزایش شکاف بین نرخ ارز در بازار آزاد با نرخ رسمی شده، قطعاً تأثیرات نامطلوبی بر وسعت و عمق فقر بجای گذاشته است. از یک طرف، اتخاذ سیاست‌های ارزی که منجر به افزایش نرخ ارز در بازار شود، موجبات افزایش حاشیه نرخ ارز را فراهم خواهد آورد که از طریق

بر هم زدن قیمت‌های نسبی، به تخصیص غیربهبینه منابع در بخش‌های تولیدی می‌انجامد. این امر، فعالیت‌های رانت‌جویی را تشدید می‌کند که در مجموع کاهش کارایی نظام اقتصادی را به دنبال خواهد داشت. کاهش کارایی نظام اقتصادی و تأثیرات نامطلوب آن بر رشد اقتصادی و اشتغال نیروی انسانی خود بر شدت یافتن وسعت و عمق فقر بی‌تأثیر نخواهد بود.

از طرف دیگر، افزایش نرخ ازر اسمی بازار، اگر با ثبات نسبی قیمت‌های داخلی همراه باشد، موجب افزایش نرخ واقعی ارز در بازار واقعی و به تبع آن کاهش واردات می‌شود. به دلیل وابستگی قابل ملاحظه سرمایه‌گذاری‌های کشور به واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای، این امر می‌تواند افت رشد اقتصادی و کاهش درآمد سرانه را به دنبال داشته باشد. مضافاً این‌که، همان‌گونه که پیشتر گفته شد، افزایش نرخ ارز در بازار آزاد، اقتصاد کشور را به سمت فعالیت‌های غیرمولد (واسطه‌گری، دلالی در جستجوی سود از نوسان‌های ایجاد شده در قیمت‌ها) سوق خواهد داد و از این جنبه نیز بر جریان توزیع درآمدها در کشور تأثیر منفی خواهد گذاشت.

بنابراین، افزایش نرخ واقعی ارز در بازار آزاد و به تبع آن افزایش حاشیه نرخ ارز، موجب شدت یافتن تمام مؤلفه‌های فقر، به خصوص عمق فقر و نابرابری بین فقرا خواهد شد.

و اتخاذ هر سیاست اقتصادی که به رشد تورم دامن‌زده باشد به شدت برگسترش اندازه فقر مؤثر است هر چند که در این رشد یارانه‌های دولت تا حدی از شدت آن کاسته است، اما تأثیر چندانی بر بهبود موقعیت اقتصادی اقشار کم درآمد نداشته است. زیرا قدرت خرید طبقات کم درآمد و حتی با درآمد متوسط، تحت تأثیر افزایش قابل ملاحظه سطح قیمت‌ها مسلماً کاهش یافته و چنین گروه‌هایی از جامعه را به طبقات پایین‌تر درآمندی و به زیر خط فقر سوق داده است.

در نهایت آنچه به طور خلاصه می‌توان از نتایج یاد شده برای ارائه رهیافت‌های سیاست‌گذاری به منظور مبارزه با فقر اقتصادی جامعه ارائه داد، عبارت‌اند از:

- اتخاذ سیاست‌های مؤثر اقتصادی به منظور ایجاد رشد مستمر و قابل ملاحظه اقتصادی.
- افزایش مستمر هزینه‌های عمرانی دولت با نرخی فراتر از رشد تولید ناخالص داخلی با توجه و نگرش به تأثیرات باز توزیعی این هزینه‌ها که خود تحت تأثیر نحوه اختصاص بودجه‌های عمرانی به زیر بخش‌های اقتصادی - اجتماعی و مناطق شهری - روستایی دارد.
- تعدیلات مناسب در ساختار نظام مالیاتی به منظور تقویت پایه‌های درآمدی اقشار کم درآمد و با درآمد ثابت.
- اتخاذ سیاست‌های ارزی در جهت تک نرخی شدن ارز که منجر به کاهش نرخ ارز بازاری و حاشیه نرخ ارز گردد.

جدول ۷: ارزیابی تأثیر برخی سنجدهای اقتصاد کلان بر شاخص‌های پنجگانه فقر در کل کشور (۷۵-۱۳۵۸)

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل پارامترها و آمار	GGDP	RSGC	DTI	G	EEI
H	عرض از مبدا پارامترها و آمار	۵۶/۷۳۱ (آماره ۳۰)	۵۶/۳۴۰ (۲۸/۵۲)	۵۵/۱۰۶ (۱۰۱/۳۱)	۱۶/۵۴۰ (۰/۷۲)	۵۰/۳۴۰ (۲۸/۳۷)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۱۰/۶۳۸ (-۲/۳۶)	-۴۱/۴۲۰ (-۱/۴۴)	-۳۰/۹۴۴ (-۳/۴۶)	۸۷/۲۰۷ (۱/۶۴)	۰/۱۳۹ (۱/۶۰)
	متغیرهای رفع خود همبستگی	MA(۱)AR(۱)	MA(۲)	AR(۱)AR(۲)	AR(۱)	MA(۲)
	D.W و R ^۲	۱/۹۷ و ۰/۰۶	۱/۷۱ و ۰/۲۵	۲/۳۱ و ۰/۵۷	۲/۰۵ و ۰/۱۷	۱/۲۳ و ۰/۱۶
I	عرض از مبدا (آماره ۴)	۴۷/۳۶۱ (۶۶/۲۱)	۴۷/۷۴۲ (۵۰/۱۲)	۴۶/۵۹۴ (۱۴/۷۴)	۶/۷۴۰ (۰/۸۸)	۴۴/۴۸۳ (۸۷/۳۵)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۱۰/۶۲۶ (-۳/۱۶)	-۴۲/۱۲۷ (-۲/۶۳)	-۹/۷۱۶ (-۲/۰۴)	۸۸/۱۷۸ (۵/۰۳)	۰/۰۸۱ (۲/۰۴)
	متغیرهای رفع خود همبستگی		MA(۱)	MA(۱)	-	MA(۱)
	D.W و R ^۲	۱/۸۸ و ۰/۴۳	۲/۰۲ و ۰/۴۰	۲/۰۲ و ۰/۶۴	۲/۱۴ و ۰/۶۵	۲/۰۳ و ۰/۳۴
P	عرض از مبدا (آماره ۴)	۰/۳۵۷ (۳۰/۷۹)	۰/۳۵۵ (۲۱/۹۱)	۰/۳۳۸ (۵۷/۰۲)	-۰/۰۴۶ (-۰/۲۲)	۰/۳۱۹ (۴۲/۸۹)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۰/۱۰۳ (-۱/۹۶)	-۰/۵۱۰ (-۱/۸۸)	-۰/۳۳۰ (-۴/۰۰)	۰/۸۵۰ (۲/۳۵)	۰/۰۰۱ (۱/۲۶)
	متغیرهای رفع خود همبستگی			AR(۱)AR(۲)		
	D.W و R ^۲					

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل پارامترها و آمار	GGDP	RSGC	DTT	G	EI
P _۲	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	MA(۱)	AR(۱), AR(۲) MA(۱)	—	MA(۱), AR(۱)
	DW و \bar{R}^2	۱/۸۴ و ۰/۱۹	۲/۰۷ و ۰/۱۶	۷/۲۶ و ۰/۲۴	۱/۹۹ و ۰/۲۸	۲/۴ و ۰/۰۳
	عرض از مبدا (آماره ۴)	۰/۲۹۳ (۳۳/۵۶)	۰/۲۹۷ (۳۱/۷۷)	۰/۲۸۸ (۸/۰۹)	-۰/۰۵۱ (-۰/۶۷)	۰/۲۶۹ (۳۷/۶۹)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۰/۰۸۹ (-۲/۸۳)	-۰/۳۷۹ (-۲/۴۱)	-۰/۱۴۹ (-۳/۲۷)	۰/۷۴۴ (۳/۲۰)	۰/۰۰۱ (۱/۳۰)
	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	—	AR(۱), AR(۲) MA(۱)	—	MA(۱)
	DW و \bar{R}^2	۲/۰۷ و ۰/۳۸	۱/۴۶ و ۰/۲۷	۱/۵۹ و ۰/۵۶	۲/۰۵ و ۰/۵۷	۱/۹۹ و ۰/۱۳
	عرض از مبدا (آماره ۴)	۲۵/۸۶۳ (۲۰/۲۸)	۲۵/۹۶۳ (۱۳/۹۰)	۲۳/۹۱۰ (۹/۲۶)	-۲۲/۳۸۳ (-۱/۲۴)	۲۲/۶۴۲ (۲۷/۲۹)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۱۴/۷۷۱ (-۲/۴۶)	-۵۶/۵۵۴ (-۱/۸۰)	-۳۳/۲۲۵ (-۴/۲۵)	۱۰۳/۵۱۵ (۲/۵۰)	۰/۰۲۷ (۰/۲۳)
	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	MA(۱)	AR(۱), AR(۲) MA(۱)	—	MA(۱)
	DW و \bar{R}^2	۱/۹۱ و ۰/۳۱	۱/۸۷ و ۰/۲۰	۱/۸۲ و ۰/۷۷	۱/۸۶ و ۰/۳۰	۱/۸۴ و ۰/۰۵
K	متغیرهای مستقل	GGDP	RSGC	DTT	G	EI
	DW و \bar{R}^2	۱/۸۴ و ۰/۱۹	۲/۰۷ و ۰/۱۶	۷/۲۶ و ۰/۲۴	۱/۹۹ و ۰/۲۸	۲/۴ و ۰/۰۳
	عرض از مبدا (آماره ۴)	۰/۲۹۳ (۳۳/۵۶)	۰/۲۹۷ (۳۱/۷۷)	۰/۲۸۸ (۸/۰۹)	-۰/۰۵۱ (-۰/۶۷)	۰/۲۶۹ (۳۷/۶۹)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۰/۰۸۹ (-۲/۸۳)	-۰/۳۷۹ (-۲/۴۱)	-۰/۱۴۹ (-۳/۲۷)	۰/۷۴۴ (۳/۲۰)	۰/۰۰۱ (۱/۳۰)
	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	—	AR(۱), AR(۲) MA(۱)	—	MA(۱)
	DW و \bar{R}^2	۲/۰۷ و ۰/۳۸	۱/۴۶ و ۰/۲۷	۱/۵۹ و ۰/۵۶	۲/۰۵ و ۰/۵۷	۱/۹۹ و ۰/۱۳
	عرض از مبدا (آماره ۴)	۲۵/۸۶۳ (۲۰/۲۸)	۲۵/۹۶۳ (۱۳/۹۰)	۲۳/۹۱۰ (۹/۲۶)	-۲۲/۳۸۳ (-۱/۲۴)	۲۲/۶۴۲ (۲۷/۲۹)
	شیب تابع (آماره ۴)	-۱۴/۷۷۱ (-۲/۴۶)	-۵۶/۵۵۴ (-۱/۸۰)	-۳۳/۲۲۵ (-۴/۲۵)	۱۰۳/۵۱۵ (۲/۵۰)	۰/۰۲۷ (۰/۲۳)
	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	MA(۱)	AR(۱), AR(۲) MA(۱)	—	MA(۱)
	DW و \bar{R}^2	۱/۹۱ و ۰/۳۱	۱/۸۷ و ۰/۲۰	۱/۸۲ و ۰/۷۷	۱/۸۶ و ۰/۳۰	۱/۸۴ و ۰/۰۵

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل پارامترها و آماره‌ها	PMEX	U	GCPI	GSUB	توضیحات
H	عرض از مبدا	۴۶/۵۵۷	۵۴/۱۶۰	۵۲/۳۵۶	۵۴/۷۵۹	
	(آماره ϕ)	(۹/۱۶)	(۲۹/۰۲)	(۶۱/۸۲)	(۵۹/۷۰)	
	شیب تابع	۰/۳۲۷	۰/۰۱۷	۰/۰۷۲	-۳/۴۵۷	در رگرسیون EGI و GCPI به ترتیب از متغیرهای GCPI و
	(آماره ϕ)	(۱/۷۰)	(۰/۱۱)	(۲/۱۳)	(-۲/۳۲)	متغیر مجازی، و متغیر PMEX یک‌گانه زمانی استفاده شده است.
I	متغیرهای رفع خود همبستگی $D.W$ و \bar{R}^2	MA(۲) و AR(۱)	MA(۳) و AR(۳)	MA(۲)	MA(۲)	
		۱/۲۷ و ۰/۱۹	۲/۲۹ و ۰/۵۹	۱/۱۱ و ۰/۶۶	۱/۸۴ و ۰/۳۶	
	عرض از مبدا	۴۰/۶۱۹	۴۰/۵۱۴	۴۵/۵۹۹	۴۵/۳۷۶	در رگرسیون DIT از متغیر مجازی استفاده شده است.
	(آماره ϕ)	(۲۵/۷۸)	(۳۱/۸۵)	(۵۵/۱۸)	(۱۳۱/۶۰)	
	شیب تابع	۰/۳۶۸	۰/۴۰۸	-۰/۰۱۷	-۱/۶۶۷	
	(آماره ϕ)	(۳/۰۸)	(۳/۹۰)	(۰/۵۲)	(-۱/۴۹)	
P	متغیرهای رفع خود همبستگی $D.W$ و \bar{R}^2	—	MA(۱) و AR(۱)	MA(۱)	MA(۱)	
		۱/۸۵ و ۰/۳۹	۱/۷۳ و ۰/۴۶	۲/۱۱ و ۰/۲۰	۱/۹۸ و ۰/۲۴	
	عرض از مبدا	۰/۲۷۶	۰/۲۷۲	۰/۲۱۱	۰/۳۳۰	متغیرهای G و PMEX با یک وقفه زمانی بر روی این شاخص
	(آماره ϕ)	(۱۵/۵۷)	(۷/۶۰)	(۱۷/۰۶)	(۵/۹۷)	برازش شده‌اند.
	شیب تابع	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱	-۰/۰۲۹	
	(آماره ϕ)	(۳/۰۴)	(۱/۴۶)	(۰/۹۸)	(-۱/۹۹)	
	متغیرهای رفع خود همبستگی AR(۱) و MA(۱)	AR(۱) و AR(۲)	AR(۱) و AR(۲)	MA(۲)	MA(۲)	
		MA(۱)	MA(۱)			

متغیر وابسته	متغیرهای مستقل پارامترها و آمارها	PMEX	U	GGPI	GSUB	توضیحات
P	DW و \bar{R}^2	۱/۸۱ و ۰/۲۶	۷/۲۳ و ۰/۳۶	۷/۲۱ و ۰/۱۹	۷/۱۴ و ۰/۲۵	در گرسین DTT از متغیر مجازی استفاده نشده است.
	عرض از منبأه (آماره ۴)	۰/۲۳۹ (۱۵/۴۵)	۰/۲۲۹ (۱۲/۹۹)	۰/۲۶۲ (۱۹/۱۵)	۰/۷۵ (۸۴/۱۳)	
	شیب تابع (آماره ۴)	-۰/۰۳ (۲/۴۰)	-۰/۰۴ (۲/۶۸)	۰/۰۰۰ (۰/۹۳)	-۰/۰۱۸ (-۱/۷۱)	
	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	—	$AR(1)AR(2)$ $MA(1)$	$MA(1)$	
	DW و \bar{R}^2	۱/۹۹ و ۰/۲۷	۱/۷۸ و ۰/۳۲	۲/۰۲ و ۰/۰۰	۷/۱۴ و ۰/۱۴	
K	عرض از منبأه (آماره ۴)	۱۶/۲۷۸ (۵/۱۰)	۱۷/۲۹۴ (۴/۶۳)	۲۱/۲۵۸ (۱۰/۲۹)	۷۷/۱۰۹ (۵۵/۰۵)	متغیرهای $GGDP$ و $PMEX$ با یک وقفه زمانی بررسی این شاخص برآزش شده اند.
	شیب تابع (آماره ۴)	۰/۵۱۶ (۲/۱۹)	-۰/۴۵۰ (۱/۴۵)	-۰/۰۷۰ (۰/۹۰)	۴۳/۸۷۵ (-۲/۱۵)	
	متغیرهای رفع خود همبستگی	—	$MA(1)$	$AR(1)AR(2)$	$MA(2)$	
	DW و \bar{R}^2	۱/۶۶ و ۰/۲۴	۲/۲۲ و ۰/۱۶	۲/۲۱ و ۰/۰۴	۱/۸۴ و ۰/۲۰	

- حذف پرداخت یارانه‌های مستقیم و غیرمستقیم (مثلاً از طریق تفویض ارز با نرخ رسمی یا ترجیحی بر کالاهای سرمایه‌ای و تقویت ساز و کار بازار عوامل تولید.
- اتخاذ سیاست‌های پولی و مالی مناسب که در جهت ثبات هر چه بیشتر قیمت‌ها باشد.

مأخذ

الف) فارسی

- ابریشی، حمید و محسن مهرآور، "مدل تقاضای مصرف‌کننده و تحلیلی بر تغییرات سبد مصرف خانوارها طی دوره ۱۳۷۲-۱۳۴۴"، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳، تابستان ۱۳۷۶.
- اسد سنگابی فرد، سیما، "درآمدی بر روش‌های برآورد تقاضا"، روند، (نشریه علمی تخصصی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران)، سال اول، شماره دوم، زمستان ۱۳۶۹.
- پسران، هاشم، "روندهای اقتصادی و سیاست‌های اقتصاد کلان در ایران در دوران پس از انقلاب"، اقتصاد و پول، بانک مرکزی جمهوری اسلامی، سال اول، شماره ۲.
- خسروی‌نژاد، علی‌اصغر (۱۳۶۹)، «الگوی تقاضای خانوار شهری در ایران» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- سپه‌وند، مهرداد، "بررسی و پیش‌بینی رفتار مصرفی خانوار شهری در ایران بر مبنای مدل HLES" روند، (نشریه علمی تخصصی بانک مرکزی جمهوری اسلامی)، سال هفتم، شماره‌های ۲۲ و ۲۳ پاییز و زمستان ۱۳۷۵.
- سوری، داود، "فقر و سیاست‌های کلان اقتصادی (۷۵-۱۳۶۷)"، پژوهشنامه برنامه و بودجه، شماره‌های ۳۴ و ۳۵، بهمن و اسفند ۱۳۷۷.
- صمدی، سعید (۱۳۷۱)، "بررسی تأثیر تورم بر توزیع درآمد در ایران" پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان.
- صمیمی‌فر، قاسم (۱۳۷۲) «سیستم معادلات تقاضا و تحلیل رفتار مصرفی شهرنشینان» پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- مرکز آمار ایران (۱۳۷۷)، اندازه شاخص‌های فقر و نابرابری توزیع درآمد در ایران طی ۷۵-۱۳۶۵، دفتر حساب‌های اقتصادی.

هادیان، ابراهیم و تفکری باقری‌نژاد، "سیاست‌های تعدیل نرخ واقعی ارز مورد ایران" مجموعه مقالات دهمین کنفرانس سالانه سیاست‌های پولی و ارزی، بانک مرکزی، سال ۱۳۷۹.

هاشمی، ابوالقاسم و خسروی‌نژاد، علی‌اکبر، "سیستم مخارج خطی الگوی تقاضای خانوارهای شهری در ایران، مجله پژوهشی دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴، بهار ۱۳۷۴.

شهنازی، حسنیه (۱۳۷۷)، "بررسی و تجزیه و تحلیل درآمد و هزینه و الگوی مصرف خانوارهای شهری و روستایی استان آذربایجان شرقی (۱۳۶۴-۱۳۷۴)"، سازمان برنامه و بودجه استان آذربایجان شرقی.

ب) انگلیسی

Arabi, M. and F. Mehran (1977), *Urban Consumer Prices and Inequality*, College of Statistics and Information, Tehran.

Bhagwati, J., (1988), *Poverty and Public Policy*, World Development (16), 5, pp. 539-555.

Callan, T. and B. Nolan, (1991) "Concepts of Poverty and Poverty Line", *Journal of Economic Surveys*, 5, pp. 243-261.

Gamaletsos, T. (1974) "A Generalized Linear Expenditure System", *Applied Economics*, No. 6, pp. 59-71.

Intriligator, M.D. (1982), "Econometric Models" *Technique and Application*, North Holland.

Luch, c. (1973), "The Extended Linear Expenditure System," *European Economic Review*, (4), pp. 21-72.

Pollak, R. A. and T. J. Wallis, (1969), "Estimation of Linear Expenditure System", *Econometrica*, Vol. 37, No. 4.

Ray, R. (1980), "Analysis of Time Series of Household Expenditure. Surveys for India," *Review of Economics and Statistics*, (62) pp. 595-602.

Atkinson, A.B. (1987), "On the Measurement of Poverty," *Econometrica*, 55, 4, p. 755.

Callan, T. & B., Nolan, (1991), "Concepts of Poverty and Poverty Line," *Journal*

- of *Economic Surveys*, 5, pp. 243-261.
- Cowell, F. A., "Poverty Measures, Inequality and Deconposability" in Bos, Rose & Seidl, eds., pp. 71-148.
- Bos, D., M. Rose & c., Seidl, eds., (1988), *Welfare and Efficiency in Public Economics*, Berlin, Springer-Verlag.
- Foster, J.F., J. Greer, & Thorbeche (1984), "A Class of Deromposable Poverty Measures," *Econometrica*, 52, 3, pp.761-766.
- Goedhart, T., V. Halberstad, A. Kapteyn & B. Vanpraag, The Poverty Line: Concept and Measurement," *Journal of Human Resurces*, pp. 503-520.
- Kakwani, N.C. (1980), "ON A Class of Poverty Measures", *Econometrica* 48, 2, pp. 437-446.
- Son, K.(1976), "Poverty:An Ordinal Approach to Measurement" *Econometrica*, 44. 2, pp. 219-231.
- Sen, A.K. (1977), "On Weights and Measures Informational Constraints in Social Welfare Analyses," *Econometrica*, 45, 7, pp. 1539-1572.
- Den, A.K (1983), Poor, "Relatively Speaking", *Oxford Economic Papers*, 35, pp. 153-169.
- Stone, P. (1954), *The Measurement of Consumer Expenditure and Behaviour in the United Kingdom (1920-1938)*, Vol.1, Cambridge, Cambridge University Press.
- Stone, P. (1954), "Linear Expenditure System and Demand Analysis: An Application to the Pattern of British Demand," *Economic Journal*, Vol. 64, pp. 511-527.
- Van Den Bosch, k. etal. (1993), "A Comparison of Poverty in Seven European Countries and Regions Using Subjective and Relative Measures," *Journal of Population Economics*, 6,3, pp. 235-260.



پروشکاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی